

متن پرسش

با سلام و عرض ادب خدمت استاد گرامی: بنده حقیر از دو ماه قبل از طریق سایتتان با شما آشنا شدم و یک سری از کتاب‌هایتان را مطالعه کردم خصوصا کتاب‌هایی که در مورد آقا صاحب الزمان روحی ارواحنا له الفدا نوشته بودید را خواندم بسیار مطالب مفید و عالی بود که در کتاب‌هایی دیگری نه دیده بودم و نه شنیده ام خداوند متعال شما را در راه احیای اسلام ناب محمدی یاری فرماید. بنده حقیر با یکی از دوستانم ۱۲ سال قبل از دانشگاه فارغ التحصیل شده و تقریباً ۱۱ سال قبل با یکی از اولیا الله آشنا شده و شاگردی وی را می‌کنم وی ساکن گرگان و بنده ساکن کرمان می‌باشم. البته از سه سال قبل به دلیل بوجود آمدن یکسری مشکلات رابطه ما با وی قطع شده است ولی ما هنوز با شاگرد ارشد وی در کرمان در ارتباط هستیم وی شاگرد آیت الله کشمیری رضوان الله علیه بوده و روش وی در سیر و سلوک بصورت چله ای ذکر و توسل به اهل بیت و مراقبه است ولی از دو سال قبل حالات روحی ام عوض شده، حال ذکر گفتن و قرآن خواندن را ندارم ولی توفیق نماز شب و گاهی مواقع زیارات اهل بیت (ع) و دعا و قرآن می‌خوانم و یک احساس خستگی مفرطی درخودم احساس می‌کنم و سرم خیلی سنگین است و بی حوصله شده ام. اوایل فکر می‌کردم مشکل جسمانی دارم ولی با مراجعه به پزشکان متخصص دیدم که از لحاظ جسمانی اصلاً مشکلی ندارم با اساتید هم صحبت کردم به نتیجه ای نرسیدم. گاهی اوقات فکر می‌کنم که این به خاطر ذکرهای سنگینی است که گفته ام و این باعث خستگی شدید روحم شده است و روح دیگه کشش ندارد، چون وقتی می‌خواهم عبادت کنم و یا ذکر بگویم قلبم می‌گیره و اعصابم بهم می‌ریزد. و از اینکه نمی‌توانم با خداوند متعال رابطه بگیرم و از اینکه چندین سال راه خدا را دارم می‌روم و شناختی از خداوند متعال ندارم و برای آخرت دستم خالیه یا به قول شما به عالم دینی یا غیب وارد نشده سخت آشفته و پریشانم چه چیز بدتر از اینکه انسان نتواند یاد خدا کند این دوری از خداوند نیست؟ از عبادت نکردن پریشانم از قرآن نخواندنم بسیار ناراحتم. کارم شده غصه و غم خوردن از اینکه چرا من این جور هستم، نکنه نفسم دستم را از دامان حق کوتاه کنه خیلی مضطربم جوری که زخم معده گرفته ام و از لحاظ جسمانی نیز مریض شده ام و از طرفی هم خودم را دلداری می‌دهم که هر کسی در راه خدا یک نوع ابتلائات و سختی‌ها دارد که ابتلائات و سختی‌های من هم از این نوع است (البته ناگفته نماند که بنده به توفیق اهل بیت علیهم السلام هیچ نوع کم و کمبودی در زندگی دنیوی ام ندارم و فقط غصه من به همین دلیل است) و این ابتلائات و سختی‌ها هم قسمتی از سیر و سلوک است و انسان تو این سختی‌ها رشد می‌کند و پخته می‌شود و خداوند هیچ موقع بنده اش را رها نکرده و نمی‌کند، حالا نمی‌دانم چکار کنم و مشکل کارم

از کجاست؟ تمام سعیم را هم در بندگی خداوند می‌کنم. لطفا در این خصوص راهنمایی فرمایید آیا مشکل از بنده است یا نه. من الله توفیق. نگاه پر مهر و محبت زهرای مرضیه سلام الله علیها بدرقه عمر و زندگیتان باد. ممنون

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مشرب و ذوق انسان‌ها در سلوک الی الله متفاوت است. امید داشته باشید از طریق سلوک وجودی - عقلی مثل تأمل در مباحث معرفت نفس، که روش سلوکی حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» بوده است، خود را جلو ببرید. پیشنهاد می‌شود در راستای این نوع سلوک، کتاب «ده نکته در معرفت نفس» و بحث «برهان صدیقین» و کتاب «معاد» را همراه با شرح صوتی آن با حوصله‌ی تمام دنبال فرمایید و سپس کتاب «خویشتن پنهان» را مطالعه کنید. کتاب‌ها و شرح‌های صوتی بر روی سایت هست. موفق باشید